

وضعیت شاخص‌های تمایز یافتگی در خانواده‌های تهرانی

خدابخش احمدی^۱، فرشته پاک نژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۲

چکیده

تمایز یافتگی اعضای خانواده، یک شاخص کلیدی عملکرد خانواده است. در این راستا پژوهش حاضر با هدف شناسایی وضعیت شاخص‌های تمایز یافتگی در خانواده‌های تهرانی انجام شد. روش پژوهش از نوع آمیخته بود که با به کار بستن روش کیفی راهبرد اکتشافی زنجیره‌ای و رویکرد پدیدارشناختی و روش کمی همبستگی اجرا گردید. در این تحقیق که در سال ۱۳۹۵ انجام شد، ابتدا از طریق مصاحبه‌های اکتشافی، عناصر و مؤلفه‌های شاخص‌های تمایز یافتگی در فرهنگ ایرانی استخراج و کدگذاری شدند. اعتبار شاخص‌های بدست آمده از طریق روش دلفی با گروهی از متخصصین بدست آمد. ۱۲ شاخص اصلی و ۷۸ شاخص فرعی برای تمایز یافتگی در خانواده‌های تهرانی شناسایی شد. سپس شاخص‌های بدست آمده تبدیل به مقیاس شده و به طور موازی با مقیاس تمایز یافتگی تجدیدنظر شده اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) بر روی نمونه ۱۰۰ نفری از والدین شهر تهران اجرا شد. نتایج حاصل از مطالعه میدانی در سنجش وضعیت تمایز یافتگی، همبستگی مثبت به میزان ۰/۴۰ معنادار ($P < ۰/۰۰۱$) بین این دو مقیاس را گزارش می‌کند. تمامی مؤلفه‌های مقیاس تمایز یافتگی برآمده از پژوهش، رابطه مثبت معنادار با یکدیگر داشته و همبستگی درونی دارند. در خانواده‌های تهرانی شاخص هویت بالاترین رتبه و واکنش‌های هیجانی پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داد. این رتبه بندی در قبال تمامی شاخص‌های فرعی نیز ارائه گردید. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد در رابطه با خانواده‌های ایرانی برخی شاخص‌های تمایز یافتگی از ارجحیت

۱. استاد مرکز تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: kh_ahmady@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران،

پست الکترونیکی: Fe.paknejad@gmail.com

خاصی برخوردار است در حالیکه برخی شاخص‌ها مورد توجه و تمرکز این فرهنگ و قومیت نمی‌باشد بنابراین، توجه به مبانی فرهنگی و اجتماعی در شناخت وضعیت تمایز یافتگی مهم است.

واژگان کلیدی: ایران، تمایز یافتگی، خانواده، شاخص

مقدمه

تمایز یافتگی^۱ یک ترکیب پیچیده از بلوغ عاطفی^۲، توانایی تفکر منطقی در یک موقعیت هیجانی و توانایی حفظ روابط عاطفی نزدیک است (دراک^۳، ۲۰۱۱؛ پارتل هرینگ^۴ و لال^۵، ۲۰۱۰؛ به نقل از باجگیرانی، قنبری و ظریف، ۱۳۹۲). به طوری که این ویژگی را در دو سطح می‌توان بررسی کرد. فرآیندی که در درون فرد رخ می‌دهد و فرآیندی که در روابط افراد به وقوع می‌پیوندد. به گفته‌ی اسکورون (۲۰۰۳) در بعد درون‌روانی تمایز خود، ظرفیتی برای خودتنظیمی در فرد ایجاد می‌کند که در طی آن فرد را قادر به جداسازی فرایندهای فکری از فرایندهای عاطفی و نیز توانایی برای دستیابی به هویتی محکم و قوی و بیان آزادانه افکار و دیدگاه‌های فردی می‌کند. در بعد بین‌فردی افرادی که تمایز یافته‌تر هستند در روابط نزدیک و صمیمانه احساس آرامش می‌کنند از این‌رو نیاز به کنترل اضطراب از طریق آمیختگی و یا گسلس هیجانی کاهش می‌یابد. از سویی دیگر الگوهای بین‌فردی آمیختگی با دیگران یا جدایی عاطفی هر دو بیانگر سازوکارهای رفتاری برای تنظیم فاصله، مدیریت احساسات افراطی یا تهدیدهای درک شده برای امنیت است (حسینیان و نجف‌لویی، ۱۳۹۰). در واقع سنگ بنای نظریه بوئن عقیده‌ی او راجع به نیروهایی است که در درون خانواده جای دارند و در پی وحدت و باهم بودن یا برعکس، فردیت^۶ هستند. از آنجائی که هر خانواده دست کم سه نسل را شامل می‌شود (گلدنبرگ^۷ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰) و هر نسل علاوه بر کارکرد نسلی، کارکرد بین‌نسلی نیز دارا می‌باشد (

1. Differentiation
2. Emotional maturity
3. Drak
4. Bartle- Haring
5. Lal
6. individuality
7. Goldenberg

نسل‌های قبلی، پرورش دهنده نسل بعدی هستند) انتظار می‌رود که وقتی فرزندان خانه را ترک می‌نمایند، بزرگسالانی بالغ و مستقل باشند. برخی به فردیت ارزش می‌دهند و آن را علامت رشدی برای جدا شدن از والدینشان تلقی می‌کنند، برخی دیگر آرزو می‌کنند می‌توانستند به خانواده‌هایشان نزدیک‌تر باشند (نیکولز^۱، ۲۰۱۰). بوئن خانواده را یک واحد عاطفی و شبکه‌ای از روابط بهم‌تنیده می‌پندارد. تارهای این بهم‌تنیدگی می‌تواند بحدی قطور و محکم باشد که توان اجرای عملی آزادانه و مستقل را برای همیشه از فرد سلب نماید و او را همواره زندانی این دنیای هیجانی گرداند چنانچه همواره حاضر به مصالحه بر سر هویت^۲ ضعیف و ناستوار خود باشد. چنانچه تحقیقات نشان داده‌اند، ساختار و محیط خانواده اصلی در تمایل و نگرش نسبت به ازدواج و نیز زندگی خانوادگی فرزندان نقش بسزایی دارد (کاریبی^۳، ۲۰۰۵؛ به نقل از نعیمی و همکاران، ۱۳۹۴). اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) بر این باورند که افراد تمایز یافته تراز سازگاری روان‌شناختی بهتری برخوردارند. همچنین مطابق نظریه بوئن تمایز یافتگی برای سازگاری در سطح ارتباطات نیز بسیار ضروری است (اسکورون، ۲۰۰۰).

اهمیت موضوع، انگیزه لازم را برای مطالعه و بررسی این شاخص‌ها در جامعه و خانواده ایرانی با وجود بافت منحصر بفرد، تفاوت‌ها و شباهت‌ها با دیگر جوامع ایجاد کرد. چرا که، یکی از عوامل مؤثر در تمایز یافتگی، نقش عوامل فرهنگی در زمینه جمع‌گرایی و فردگرایی است. فرهنگ‌های فردگرایی مانند آمریکا و اروپای غربی بر استقلال فردی تأکید می‌کنند، در حالی که در فرهنگ‌های جمع‌گرایی مثل آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بر همبستگی تأکید می‌شود (کانو و سینها، ۱۹۹۹، مارکوس و کیتاما، ۱۹۹۱). در فرهنگ‌های شرقی اگر کسی قاطع باشد و نظرات و دیدگاه‌ها و خواسته‌های خود را صریحاً ابراز کند خود خواه به نظر می‌رسد و با انتظار گروه هماهنگ نیست (مورفی، ۱۹۹۹). در فرهنگ‌های جمع‌گرا در مقایسه با فردگرا استقلال شخصی کمتری

1. Nichols
2. identity
3. Carey

دیده می‌شود (کازین^۱، ۱۹۸۹، میلر^۲ و برسوف^۳، ۱۹۹۲، به نقل از رودی و همکاران، ۲۰۰۷) و معمولاً افراد به هماهنگی با دیگران و انجام دادن وظایف خود در برابر دیگران ترغیب می‌شوند، در حالی که در فرهنگ فردگرا بر حقوق فردی و داشتن قدرت حق انتخاب تأکید می‌شود. فرهنگ سنتی ایران فرهنگی جمع‌گراست. هرچند با گذر زمان و تحولات فرهنگی و اجتماعی، به مرور زمان از جنبه‌های جمع‌گرایی آن کاسته شده و بر فردگرایی افزوده شده است. با این همه هنوز جزو فرهنگ‌های جمع‌گرا به‌شمار می‌آید. هافتد (۲۰۱۰) در تقسیم‌بندی کشورهای دنیا از نظر جمع‌گرایی و فردگرایی، نمره فردگرایی ایران را ۴۱ با رتبه ۲۴ گزارش کرده است. در حالیکه فردگراترین کشور آمریکا با نمره ۹۱ و رتبه ۱ و کمترین فردگرایی مربوط به کشور گواتمالا با نمره ۶ و رتبه ۵۳ است.

با این وجود لزوم بررسی یک ویژگی در بافت فرهنگی آن جامعه محرز می‌شود و از آنجایی که تمایز یافتگی از اهمیت خاصی در رشد فردی و سلامت خانوادگی ایفا می‌کند، پژوهش حاضر به مطالعه شاخص‌های تمایز یافتگی در خانواده‌های ایرانی پرداخته است و خواستار آن از تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. وضعیت شاخص‌های تمایز یافتگی در خانواده‌های ایرانی ساکن شهر تهران چگونه است؟

۲. رتبه بندی شاخص‌های تمایز یافتگی در خانواده‌های ایرانی ساکن شهر تهران چگونه است؟

روش

در پژوهش حاضر، از روش پژوهش آمیخته^۴ (کیفی^۵ و کمی^۶) استفاده شد که بخش کیفی آن با روش راهبرد اکتشافی^۷ زنجیره‌ای و رویکرد پدیدارشناختی^۱ انجام گرفت. در حالیکه

-
1. Cousins
 2. Miller
 3. Bersov
 4. Mixed method
 5. Qualitative
 6. Quantitative
 7. Exploratory

در بخش کمی از راه سنجش هم‌بستگی داده‌های بدست آمده از پژوهش با شناسه‌های مطرح در دیدگاه میان‌نسلی^۲ بوئن، اجرا گردید. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی براساس هدف مطالعه، متشکل بود از والدین شهر تهران در بازه ۹۵-۱۳۹۴ که شرایط و معیارهای ورود به مطالعه را دارا بودند. این شرایط شامل: داشتن دست کم یک فرزند با سن حداقل ۴ سال؛ فقدان بیماری روانی مزمن، اعتیاد، سابقه زندان، طلاق و خیانت در زوجین؛ آمادگی، تمایل به مشارکت و توانایی انتقال اطلاعات در پژوهش بود. همچنین جهت سهولت دسترسی به نمونه‌های مورد نظر از روش نمونه‌گیری هدفمند^۳ استفاده شد. همچنین جهت تأیید شاخص‌های تمایز یافتگی از روش دلفی^۴ با استفاده از نظرات ۱۰ تن از اساتید رشته مشاوره و روان‌شناسی دانشگاه‌های مطرح ایران استفاده شد. نمونه مربوط به بخش کمی براساس برآورد حجم مکفی نمونه، ۱۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۵ انتخاب گردید. سیاهه شاخص‌های استخراج‌شده از مرحله کیفی پژوهش در این مرحله مورد استفاده قرار گرفت و مدل پیشنهادی با داده‌های واقعی برآمده از اجرای سیاهه تجدیدنظر شده اسکورون‌واسمیت مقایسه شد. اطلاعات به دست آمده به شیوه کمی در پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و به کمک نرم افزار SPSS۲۲، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای بررسی وضعیت شاخص‌های تمایز یافتگی در خانواده‌های ایرانی، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره^۶ استفاده شد. پیش از انجام آزمون تحلیل واریانس چند متغیره، پیش فرض‌های مربوط به آن مانند همگنی واریانس‌ها و توزیع طبیعی داده‌ها و همسانی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس^۷ صورت گرفت. همچنین برای ارزیابی معناداری اثر چندمتغیری از شاخص پیلای^۸ استفاده شد. لازم به ذکر است که پژوهشگر از راه مراجعه به خانه‌های سلامت و مراجعه به والدین شرکت کننده در برنامه

1. Phenomenology
2. Intergenerational
3. Purposive sampling
4. Dephi method
5. Multistage cluster sampling
6. multivariate analysis of variance
7. covariance
8. Pillais trace

انجمن اولیاء و مربیان مدارس در دسترس، به نمونه‌های پژوهش در بخش کمی دسترسی پیدا کرد. سپس رتبه بندی مولفه های تمایز یافتگی در خانواده های ایرانی سنجیده شد. همچنین این رتبه بندی در قبال هر یک از شاخص های تأیید شده در خانواده های ایرانی نیز صورت گرفت.

ابزار پژوهش حاضر از قرار زیر است:

سیاهه تجدیدنظر شده تمایز یافتگی خود^۱: این مقیاس در سال ۱۹۸۸ توسط اسکورون و فریدلندر ساخته شد و در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورون و اسمیت مورد تجدیدنظر قرار گرفت و مقیاس نهایی در ۴۶ ماده و ۴ مؤلفه به کار برده شد. مؤلفه واکنش پذیری هیجانی^۲ (گویه های: ۱-۶-۱۰-۱۴-۱۸-۲۱-۲۶-۳۰-۳۴-۳۸-۴۰)؛ مؤلفه موقعیت من^۳ (گویه های: ۲-۳-۸-۴-۷-۱۱-۱۵-۱۹-۲۳-۲۷-۳۱-۳۵-۴۱-۴۳)؛ مؤلفه گسلش عاطفی^۴ (گویه های: ۲-۳-۸-۱۲-۱۶-۲۰-۲۴-۲۸-۳۲-۳۶-۳۹-۴۲) و مؤلفه هم آمیختگی هیجانی^۵ (گویه های: ۹-۱۳-۱۷-۲۲-۲۵-۲۹-۳۳-۳۷-۴۴-۴۵-۴۶). مواد این مقیاس در طیف لیکرت^۶ از ۱ تا ۶ نمره گذاری می شوند. ضریب آلفای کرونباخ^۷ گزارش شده توسط اسکورون و فریدلندر برای این مقیاس ۰/۸۸ است. در پژوهش جهان بخشی و کلانتر کوشه (۱۳۹۱) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ و برای مؤلفه های واکنش پذیری هیجانی، موقعیت من، گسلش عاطفی و هم آمیختگی هیجانی با دیگران به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۴، ۰/۶۱، ۰/۷۵ محاسبه گردید. در پژوهش حاضر نرخ ضریب ثبات درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۷۶ برآورد گردید.

مقیاس تمایز یافتگی حاصل از تحقیق: این مقیاس که در سال ۱۳۹۵ با استفاده از داده های کیفی پژوهش ساخته شد و در ۷۸ ماده به اجرا درآمد، شامل ۱۲ مؤلفه (استقلال و

1. Differentiation of Self Inventory –Revised (DSI-R)
2. Emotional reaction
3. I-position
4. Emotional cutoff
5. Emotional fusion
6. Likert
7. Cronbach's alpha

وابستگی^۱: گویه‌های ۱ تا ۶، واکنش‌های هیجانی: گویه‌های ۷ تا ۱۳، گسلس عاطفی: گویه‌های ۱۴ تا ۱۸، هم‌آمیختگی هیجانی: گویه‌های ۱۹ تا ۲۴، هویت: گویه‌های ۲۵ تا ۳۲، ظرفیت تفکر^۲: گویه‌های ۳۳ تا ۳۶، آگاهی از هیجان‌ها^۳: گویه‌های ۳۷ تا ۴۱، موقعیت‌من: گویه‌های ۴۲ تا ۵۲، روابط صمیمانه^۴: گویه‌های ۵۳ تا ۶۳، فرافکنی میان‌نسلی^۵: گویه‌های ۶۴ تا ۶۸، سازگاری^۶: گویه‌های ۶۹ تا ۷۴، فرآیندی‌بودن^۷: گویه‌های ۷۵ تا ۷۸) می‌باشد. مواد این مقیاس در طیف لیکرت از ۱ تا ۶ نمره‌گذاری می‌شوند و برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش حاضر به کار گرفته شده‌است. در پژوهش حاضر نرخ ضریب ثبات درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۸۲ برآورد گردید.

یافته‌ها

۷۸ شاخص فرعی تمایز یافتگی، در ۱۲ مولفه (شاخص اصلی) شناسایی شد. این ۱۲ مولفه شامل: استقلال و وابستگی، واکنش‌های هیجانی، گسلس عاطفی، هم‌آمیختگی هیجانی، هویت، ظرفیت تفکر، آگاهی از هیجان‌ها، موقعیت‌من، روابط صمیمانه، فرافکنی بین نسلی، سازگاری، فرآیندی‌بودن می‌باشند.

در مؤلفه استقلال و وابستگی شاخص‌های توانایی ماندن در جو عاطفی و در عین حال استقلال از دیگران، تعادل بین دو نیروی تعلق و فردیت، داشتن حس خودمختاری هیجانی در روابط، عدم وابستگی افراطی به دیگران، توانایی توجه به استقلال دیگران در کنار حفظ استقلال خویش، داشتن حد و دامنه متعادلی از استقلال بدست آمد.

در مؤلفه واکنش‌های هیجانی برآیند شاخص‌ها، ابراز هیجانی متناسب با موقعیت، اجتناب از واکنش هیجانی افراطی، مراقبت از تصمیم‌گیری در شرایط هیجانی، اجتناب از واکنش هیجانی سریع، داشتن توانایی تفکر منطقی در موقعیت‌های هیجانی، توانایی ایجاد

1. Independence and dependence
2. Thinking capacity
3. Awareness of emotions
4. Close relationships
5. Multigenerational projection
6. Adaptability
7. The processing

تعادل بین نیروهای عقلی و فرآیندهای عاطفی، توانایی تمیز نیازهای عقلانی از نیازهای هیجانی می‌باشد.

شاخص‌های عدم استفاده از مکانیسم‌گریز(کناره‌گیری) عاطفی، توانایی حل تعارضات، توانایی برقراری گفتگوی سازنده، توانایی تنظیم رابطه با خانواده اصلی، نداشتن سردی عاطفی در مؤلفه گسلس عاطفی مشاهده شده است.

در مؤلفه هم‌آمیختگی هیجانی شاخص‌های نداشتن اضطراب جدایی، شفافیت در مرزهای خود و دیگران، عدم جبران کمبودها از طریق وابستگی افراطی، توانایی حفظ استقلال فردی در خانواده، عدم وابستگی مختل‌کننده به دیگران، عدم وابستگی عاطفی شدید بدست آمد.

در مؤلفه هویت برآیند شاخص‌ها، توانایی انتخاب جهت خویش در زندگی، داشتن عقاید و باورهای مشخص در زندگی، داشتن یقین در اینکه چه کسی هستند و چه اعتقادی دارند، توانایی حفظ خود تعریف شده در محیط‌های متفاوت، داشتن بلوغ و پختگی، توانایی آگاهی از جایگاه خود در خانواده و خویشاوندان و جامعه، داشتن سلسله‌مراتبی از هویت شخصی، خانوادگی، ملی و مذهبی، داشتن برنامه زندگی می‌باشد.

شاخص‌های توانایی پیش‌بینی و ارزیابی موقعیت، توانایی تصمیم‌گیری عاقلانه، توانایی تشخیص اولویت‌ها، توانایی استفاده از تجارب دیگران در مؤلفه ظرفیت تفکر مشاهده شده است.

در مؤلفه آگاهی از هیجان‌ها شاخص‌های شناخت نوع هیجان درونی، توانایی پذیرش هیجان‌ها، داشتن درک روشنی از میزان هم‌آمیختگی هیجانی، عدم سرکوب‌آبراز هیجان‌ها، داشتن همدلی(درک هیجان‌ها دیگران) بدست آمد.

در مؤلفه موقعیت من برآیند شاخص‌ها، اجتناب از تغییر در رفتار و عقاید به خاطر کسب رضایت دیگران، اولویت داشتن ارزشها و معیارهای شخصی در روابط، توانایی رشد «خود مستقل» در روابط صمیمی، اجتناب از شکستن چارچوب‌های شخصی در روابط، پرهیز از تبعیت دائمی از خواسته‌های دیگران، توانایی مطرح کردن عقاید محکم و باورهای کاملاً مشخص، توانایی عمل کردن بر اساس باورهای شخصی، داشتن توانایی

تبادل نظر با دیگران، توانایی احترام به عقاید و باورهای دیگران، عدم وابستگی به ستایش و تأیید دیگران می‌باشد.

شاخص‌های توانایی داشتن آرامش در روابط بین فردی، توانایی در برقراری روابط عمیق و صمیمی، توانایی تجربه رضایتمندی در روابط، نداشتن نگرانی از ابراز خود در روابط صمیمی، توانایی تحمل تفاوت عقاید در روابط، توانایی پذیرش انتقادات اصلاحی، توانایی درک موقعیت دیگران، وجود تعهد و تعلق در روابط صمیمی، توانایی برقراری تفاهم در رابطه، داشتن انصاف در روابط، توانایی همکاری با دیگران در مؤلفه روابط صمیمانه شناسایی شد.

در مؤلفه فرافکنی بین نسلی شاخص‌های عدم وجود اضطراب مزمن از طریق نسل‌های قبل، عدم حاکمیت خودکار الگوهای تعاملی والدینی در روابط شخص (با همسر)، عدم وجود گسلس عاطفی در خانواده اصلی (پدری)، عدم وابستگی افراطی به فرزندان، آگاهی از انتقال تعاملات والدینی به فرزندان مشاهده شد.

در مؤلفه سازگاری برآیند شاخص‌ها، توانایی کنار آمدن بهتر با استرس‌های زندگی، توانایی پذیرش اشتباهات خود، توانایی دیدن نکات مثبت در کنار نکات منفی، اجتناب از غرور و خودخواهی و خودبرتربینی، توانایی داشتن انعطاف و مدارا کردن با دیگران، توانایی بخشش دیگران، توانایی پذیرش شرایط غیر قابل تغییر می‌باشد.

شاخص‌های وجود فرایند تمایزیافتگی در کل دوران زندگی، داشتن مسیر رو به رشد در زندگی، داشتن برنامه زندگی طولانی مدت در مؤلفه فرآیندی بودن شناسایی شد.

مقیاس تمایزیافتگی حاصل از شاخص‌های بدست آمده در خانواده‌های ایرانی با مقیاس تجدید نظر شده تمایزیافتگی اسکورون و اسمیت مورد همسنجی قرار گرفت. برآیند همبستگی ۰/۴۰ در سطح ۰/۰۰۱ معنادار به دست آمد. این همبستگی در قبال خرده مقیاس‌های هر دو سیاهه نیز بررسی شد (جدول ۱).

همبستگی درونی سنجه‌های مقیاس تمایزیافتگی برآمده از پژوهش از نرخ همبستگی بالاتری برخوردارند.

نتایج آزمون لوین حاکی از آن است که هیچ‌یک از متغیرهای تمایزیافتگی معنادار نیست ($P > 0/05$)، بنابراین پیش فرض همگنی واریانس‌ها رعایت شده است. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف نیز نشان می‌دهد که تمامی زیرمقیاس‌های تمایزیافتگی از مفروضه نرمال بودن پیروی می‌کنند ($p > 0/05$). با این حال، ارزیابی ویژگی داده‌ها نشان داد که همسانی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس ($\text{Box's } M = 298/07$)، در این مفروضه آماری برقرار نیست و بنابراین برای ارزیابی معناداری اثر چند متغیری از شاخص پیلای استفاده شد. (جدول ۲)

جدول ۲. آزمون لوین جهت بررسی پیش فرض همگنی واریانس‌ها برای مقایسه ابعاد تمایزیافتگی

متغیرها	آماره لون	df1	df2	P value
استقلال و وابستگی	۱/۰۴	۱	۹۸	۰/۳۰
واکنش هیجانی	۰/۰۵	۱	۹۸	۰/۸۱
گسلش عاطفی	۱/۸۹	۱	۹۸	۰/۱۶
هم آمیختگی هیجانی	۱/۶۴	۱	۹۸	۰/۲۰
هویت	۰/۵۸	۱	۹۸	۰/۴۴
ظرفیت تفکر	۰/۰۱	۱	۹۸	۰/۹۰
آگاهی از هیجانات	۱/۹۲	۱	۹۸	۰/۱۶
موقعیت من	۰/۰۶	۱	۹۸	۰/۷۹
روابط صمیمانه	۳/۰۴	۱	۹۸	۰/۰۸
فراکنی بین نسلی	۰/۷۳	۱	۹۸	۰/۳۹
سازگاری	۰/۱۱	۱	۹۸	۰/۷۳
فرایندی بودن	۰/۰۱	۱	۹۸	۰/۹۶
واکنش پذیری‌های هیجانی	۰/۲۲	۱	۹۸	۰/۶۳
موقعیت من	۱/۱۴	۱	۹۸	۰/۲۸
گسلش عاطفی	۱/۱۸	۱	۹۸	۰/۱۸
هم آمیختگی	۰/۰۸	۱	۹۸	۰/۷۶

شاخص پیلای در جدول ۲ نشان می‌دهد که اثر گروه بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنی‌دار نیست ($\eta^2 = 0/17$ و $P > 0/05$, $F = 1/08$).
 برای بررسی رتبه‌ی هر یک از شاخص‌های اصلی تمایز یافتگی ابتدا میانگین نسبی هر یک، بر اساس پاسخ آزمودنی‌ها به سنجه مربوط به شاخص مورد نظر، بدست آمد (جدول ۳).

جدول ۳. رتبه بندی شاخص‌های اصلی تمایز یافتگی در خانواده‌های تهرانی

رتبه	مولفه (شاخص اصلی)	میانگین
۱	هویت	۴/۵۸
۲	استقلال و وابستگی	۴/۴۶
۳	ظرفیت تفکر	۴/۳۹
۴	موقعیت من	۴/۱۶
۵	فرآیندی بودن	۴/۱۶
۶	سازگاری	۴/۰۷
۷	روابط صمیمانه	۳/۹۰
۸	آگاهی از هیجانات	۳/۸۹
۹	گسلش عاطفی	۳/۸۶
۱۰	فرافکنی بین نسلی	۳/۵۸
۱۱	هم آمیختگی هیجانی	۳/۴۴
۱۲	واکنش‌های هیجانی	۲/۲۸

جدول ۳ نشان می‌دهد در بین خانواده‌های تهرانی به ترتیب شاخص‌های هویت، استقلال و وابستگی، و ظرفیت تفکر دارای بالاترین رتبه و شاخص‌های واکنش‌های هیجانی، هم آمیختگی هیجانی، و فرافکنی بین نسلی دارای پایین‌ترین رتبه بوده‌اند.
 در رابطه با شاخص‌های فرعی نیز رتبه بندی انجام گرفت (جدول ۴).

جدول ۳. رتبه بندی شاخص های تمایز یافتگی در خانواده های تهرانی

رتبه	شاخص	میانگین	رتبه	شاخص	میانگین
۱	آگاهی از انتقال تعاملات والدینی به فرزندان	۴/۸۷	۴۰	اجتناب از تغییر در رفتار و عقاید به خاطر کسب رضایت دیگران	۴/۲۸
۲	داشتن سلسله مراتبی از هویت شخصی، خانوادگی، ملی و مذهبی	۴/۸۲	۴۱	توانایی ابراز احساسات در روابط	۴/۲۷
۳	توانایی آگاهی از جایگاه خود در خانواده و خویشاوندان و جامعه	۴/۷۳	۴۲	وجود فرایند تمایز یافتگی در کل دوران زندگی	۴/۲۷
۴	توانایی حفظ باورهای شخصی در محیط های متفاوت	۴/۶۷	۴۳	توانایی حل تعارضات	۴/۲۴
۵	توانایی احترام به عقاید و باورهای دیگران	۴/۶۶	۴۴	توانایی تحمل عقاید متفاوت در روابط	۴/۲۳
۶	داشتن حس خودمختاری هیجانی در روابط	۴/۶۵	۴۵	داشتن مسیر رو به رشد در زندگی	۴/۲۱
۷	داشتن انصاف در روابط	۴/۶۳	۴۶	توانایی پذیرش هیجانات خود	۴/۲۰
۸	داشتن حد و دامنه متعادلی از استقلال	۴/۶۲	۴۷	توانایی مطرح کردن عقاید و باورهای کاملاً مشخص	۴/۱۹
۹	عدم وابستگی افراطی به دیگران	۴/۶۱	۴۸	تعادل بین دو نیروی تعلق و فردیت	۴/۱۷
۱۰	توانایی تنظیم رابطه با خانواده اصلی	۴/۶۱	۴۹	توانایی پیش بینی و ارزیابی موقعیت	۴/۱۳
۱۱	داشتن عقاید و باورهای مشخص در زندگی	۴/۶۰	۵۰	عدم سرکوب ابراز هیجانات	۴/۰۹
۱۲	داشتن یقین در اینکه چه کسی هستند و چه اعتقادی دارند	۴/۶۰	۵۱	توانایی بخشش دیگران	۴/۰۳
۱۳	توانایی همکاری با دیگران	۴/۶۰	۵۲	توانایی درک هیجانات دیگران	۴/۰۲
۱۴	وجود تعهد و تعلق در روابط صمیمی	۴/۵۶	۵۳	داشتن برنامه زندگی طولانی مدت	۴/۰۲
۱۵	توانایی استفاده از تجارب دیگران	۴/۵۵	۵۴	توانایی ایجاد تعادل بین نیروهای عقلی و فرایندهای عاطفی	۳/۸۸
۱۶	توانایی تشخیص اولویتها	۴/۵۳	۵۵	توانایی تسلط و کنترل هیجانات خود	۳/۸۶
۱۷	داشتن برنامه زندگی	۴/۵۲	۵۶	توانایی تمیز نیازهای عقلانی از نیازهای هیجانی	۳/۸۶
۱۸	توانایی برقراری روابط عمیق و صمیمی	۴/۵۱	۵۷	عدم وجود گسلس عاطفی در خانواده اصلی	۳/۸۲
۱۹	توانایی درک موقعیت دیگران	۴/۵۱	۵۸	مراقبت از تصمیم گیری در شرایط هیجانی	۳/۷۹
۲۰	توانایی پذیرش اشتباهات خود	۴/۴۸	۵۹	توانایی کنار آمدن بهتر با استرس های	۳/۷۶

زندگی					
۲۱	توانایی عمل کردن بر اساس باورهای شخصی	۴/۴۷	۶۰	نداشتن سردی عاطفی	۳/۷۴
۲۲	توانایی دیدن نکات مثبت در کنار نکات منفی	۴/۴۶	۶۱	داشتن توانایی تفکر منطقی در موقعیت‌های هیجانی	۳/۷۱
۲۳	توجه به استقلال دیگران در کنار حفظ استقلال خویش	۴/۴۵	۶۲	توانایی رشد «خود مستقل» در روابط صمیمی	۳/۵۱
۲۴	داشتن توانایی تبادل نظر با دیگران	۴/۴۵	۶۳	اجتناب از واکنش هیجانی سریع	۳/۳۵
۲۵	اجتناب از شکستن چارچوب‌های شخصی در روابط	۴/۴۳	۶۴	عدم حاکمیت خودکار الگوهای تعاملی والدینی در روابط شخص (با همسر)	۳/۳۲
۲۶	توانایی داشتن نرمش و مدارا با دیگران	۴/۴۳	۶۵	اجتناب از واکنش هیجانی افراطی	۳/۳۰
۲۷	شفافیت در مرزهای خود و دیگران	۴/۳۸	۶۶	عدم وابستگی به ستایش و تأیید دیگران	۳/۲۱
۲۸	توانایی انتخاب جهت خویش در زندگی	۴/۳۸	۶۷	توانایی برقراری گفتگوی سازنده	۳/۲۰
۲۹	پرهیز از تبعیت دائمی از خواسته‌های دیگران	۴/۳۷	۶۸	توانایی پذیرش انتقادات اصلاحی	۳/۱۷
۳۰	داشتن بلوغ و پختگی	۴/۳۶	۶۹	داشتن درک روشنی از میزان هم آمیختگی هیجانی	۳/۱۶
۳۱	توانایی تصمیم‌گیری عاقلانه	۴/۳۵	۷۰	عدم وابستگی عاطفی شدید	۳/۰۹
۳۲	اجتناب از غرور و خودخواهی و خودبرتربینی	۴/۳۵	۷۱	عدم جبران کمبودها از طریق وابستگی افراطی	۳/۰۷
۳۳	توانایی ابراز احساسات در روابط	۴/۳۳	۷۲	داشتن حس خودمختاری هیجانی در روابط	۳/۰۲
۳۴	شناخت نوع هیجان درونی	۴/۳۲	۷۳	عدم وابستگی افراطی به فرزندان	۳/۰۱
۳۵	ابراز هیجانی متناسب با موقعیت	۴/۳۱	۷۴	عدم استفاده از مکانیسم گریز(کناره‌گیری) عاطفی	۳
۳۶	اولویت داشتن ارزشها و معیارهای شخصی در روابط	۴/۳۱	۷۵	توانایی پذیرش شرایط غیر قابل تغییر	۲/۹۸
۳۷	توانایی برقراری تفاهم در رابطه	۴/۳۱	۷۶	عدم وجود اضطراب مزمن، از طریق نسلهای قبل	۲/۹۱
۳۸	توانایی داشتن آرامش در روابط بین فردی	۴/۲۹	۷۷	عدم وابستگی مختل‌کننده به دیگران	۲/۸
۳۹	توانایی ماندن در جو عاطفی و در عین حال استقلال از دیگران	۴/۲۸	۷۸	نداشتن اضطراب جدایی	۲/۶۸

جدول ۴ نشان می‌دهد، در رابطه با شاخص‌های فرعی، بالاترین رتبه‌ها مربوط است به شاخص‌های: آگاهی از انتقال تعاملات والدینی به فرزندان، داشتن سلسله‌مراتبی از هویت شخصی، خانوادگی، ملی و مذهبی، توانایی آگاهی از جایگاه خود در خانواده و خویشاوندان و جامعه، توانایی حفظ باورهای خویشتن در محیط‌های متفاوت، توانایی احترام به عقاید و باورهای دیگران و پایین‌ترین رتبه‌ها مربوط است به شاخص‌های: نداشتن اضطراب جدایی، عدم وابستگی مختل‌کننده به دیگران، عدم وجود اضطراب مزمن از طریق نسل‌های قبل، توانایی پذیرش شرایط غیر قابل‌تغییر، عدم استفاده از مکانیسم‌گریز (کناره‌گیری) عاطفی.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه ۷۸ شاخص تمایز یافتگی شناسایی شد که در ۱۲ مؤلفه تقسیم‌بندی گردید. طبق مطالعه انجام شده بر روی شاخص‌های اثربخش تمایز یافتگی در خانواده‌های شهر تهران، مشخص شد که این ۱۲ مؤلفه شناسایی شده دارای همبستگی درونی و رابطه مثبت معنادار با یکدیگر هستند. همچنین ضرایب همبستگی درونی سنج‌های پرسشنامه تمایز یافتگی حاصل از تحقیق از قدرت رابطه بالاتری برخوردارند. این نتیجه نشان از هماهنگی قابل قبول در بین مؤلفه‌های پرسشنامه تمایز یافتگی حاصل از تحقیق دارد. نتایج تحقیق در ۵۳ شاخص از ۷۸ شاخص به دست آمده، ادعای بوئن (۱۹۷۸) و (۱۹۶۶) را تأیید می‌کند و با نظرات محققینی چون کروبوئن (۱۹۸۸)، اسکورون (۲۰۰۰) و (۲۰۰۳)، چارلز (۲۰۰۱)، اسکورون و دندی (۲۰۰۴)، پلگ و پاپکو (۲۰۰۲)، کلور (۲۰۰۹)، پیس (۲۰۱۳)، دریک (۲۰۱۱)، پلگ و ویتزاک (۲۰۱۱)، جانسون و استون (۲۰۰۸)، گوهری، زهراکار و نظری (۱۳۹۴)، قره‌باغی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است در حالیکه ۲۵ شاخص تنها بر بافت فرهنگی ایران تأکید می‌کند. بنابراین توجه به شاخصه‌های فرهنگی در ویژگی‌های ارزشمندی چون تمایز یافتگی، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار خواهد بود (پاک‌نژاد و احمدی، ۱۳۹۶). علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که مؤلفه هویت دارای بالاترین رتبه در بین شاخص‌های اصلی تمایز یافتگی در بین

خانواده‌های تهرانی است. شاخص‌های: داشتن سلسله مراتبی از هویت شخصی، خانوادگی، ملی و مذهبی؛ توانایی آگاهی از جایگاه شخصی در خانواده و خویشاوندان و جامعه؛ توانایی حفظ باورهای خویشتن در محیط‌های متفاوت، دارای میانگین نسبی بالایی در نمره‌گذاری لیکرت بوده‌اند. این نتیجه به توجه ویژه ایرانیان به خانواده، جایگاه خویشاوندی و ملیت و مذهب و حفظ باورها اشاره دارد. خانواده و نظام خویشاوندی در ایران هویت سازند. ایرانیان مانند بسیاری از ملل دیگر از طریق نظام خویشاوندی، پیوستگی نسلی، و نوع خانواده هویت می‌یابد (آزادارمکی، ۱۳۹۳). رتبه‌های بعدی را به ترتیب استقلال و وابستگی، ظرفیت تفکر، موقعیت من، فرآیندی بودن، سازگاری، روابط صمیمانه، آگاهی از هیجانات و گسلس عاطفی به خود اختصاص می‌دهند. نتیجه حائز اهمیت وجود مؤلفه‌های فرافکنی بین نسلی، هم‌آمیختگی هیجانی و واکنش‌های هیجانی به عنوان پایین‌ترین رتبه‌ها در بین مؤلفه‌ها است. مؤلفه فرافکنی بین نسلی با وجود آنکه دارای میانگین نسبی پایینی است اما یکی از شاخص‌های آن اولین رتبه را در بین شاخص‌ها بدست آورده است. این نتیجه نشان می‌دهد بیشترین نمره دریافتی در این مؤلفه از نمره این شاخص بدست آمده است. آگاهی از انتقال تعاملات والدینی به فرزندان بیشترین میانگین نسبی را در بین شاخص‌ها داراست و نشان دهنده توجه ویژه خانواده‌های تهرانی به این مقوله است. پژوهش‌های مختلف تأثیرپذیری انواع رفتارهای فرزندان از تعاملات و ارتباطات میان پدر و مادر را صحه گذاشته‌اند چرا که در درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به عنوان الگو برای آنان مطرح هستند (احمدی و خدادادی، ۱۳۹۳). همچنین مؤلفه هم‌آمیختگی هیجانی از رتبه پایینی برخوردار می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که مؤلفه هم‌آمیختگی هیجانی در بین خانواده‌های تهرانی با توجه به شیوه ارتباطات خانوادگی در ایران، میانگین نسبی پایینی را دریافت کرده است که می‌تواند به معنای وجود هم‌آمیختگی عاطفی بالاتر در خانواده‌های تهرانی باشد. پایین‌ترین میانگین نسبی را در بین شاخص‌های اصلی مؤلفه واکنش هیجانی دریافت کرد. تحلیل این نتیجه با وجود نداشتن همبستگی با خرده‌مقیاس تمایز یافتگی تجدیدنظر شده اسکورون و اسمیت، باید با احتیاط صورت گیرد زیرا این

احتمال وجود دارد که واکنش‌های هیجانی در یک جامعه عمومیت داشته باشد و لذا تا حدودی مستقل از تمایز یافتگی مشاهده شود.

لازم به ذکر است، مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان مطالعه و تعیین شاخص‌های تمایز یافتگی در خانواده‌های ایرانی ساکن شهر تهران می‌باشد که در شهریورماه ۱۳۹۵ دفاع شده است. از آنجاییکه تحقیق در جامعه تهران انجام شده، به همین جامعه تعمیم پذیر است و تعمیم آن به جامعه‌های دیگر باید با احتیاط انجام گیرد. پیشنهاد می‌شود با به‌کارگیری چنین پژوهشی در جوامع مختلف ایرانی و هنجارنمودن سیاهه تمایز یافتگی حاصل از برآوردها، ابزاری مناسب جهت سنجش، با توجه به بافت فرهنگی ایران در اختیار متخصصان و پژوهشگران قرار گیرد.

بدینوسیله از زحمات کلیه متخصصین محترم، خانه‌های سلامت شهرداری تهران و کلیه مراکز و افرادی که در این پژوهش همکاری نموده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- احمدی، خدابخش. خدادادی، جواد. (۱۳۹۳). مطالعه امکان استخراج شاخص‌های سلامت روان در خانواده‌ها. گزارش پژوهش، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌ا.. (عج).
- آزادارمکی، تقی (۱۳۹۳). *خانواده ایرانی: علم*.
- باجگیرانی، سونه قناعت؛ قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی؛ ظریف، فرزانه (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان تمایز یافتگی خود و سبک‌های عشق‌ورزی، *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۴(۱۶): ۶۹-۸۳.
- پاک‌نژاد، فرشته؛ احمدی، خدابخش (۱۳۹۶). هم‌سنجی شناسه‌های تمایز یافتگی دیدگاه میان نسلی بوئن با شناسه‌های تمایز یافتگی ادراک‌شده در جامعه پدر و مادرهای ایرانی ساکن شهر تهران، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۷(۱) پیاپی ۲۳: ۸۵-۱۰۴.

حسینیان، سیمین؛ نجفلویی، فاطمه (۱۳۹۰). رابطه‌ی تمایز خود با نشانگان روان‌شناختی و جسمی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره، زن و مطالعات خانواده، ۳(۱۱): ۲۹-۴۴.

گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت. (۲۰۰۰). خانواده درمانی. ترجمه حمید رضا حسین شاهی برواتی و همکاران. (۱۳۸۹). تهران: نشر روان.

گوهری، شیوا. زهراکار، کیانوش. محمدنظری، علی. (۱۳۹۴). پیش‌بینی فرسودگی زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و صمیمیت جنسی در پرستاران. پژوهش پرستاری، ۱۱(۲): ۷۲-۸۰.

قره‌باغی، فاطمه؛ بشارت، محمدعلی؛ رستمی، رضا؛ غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۴). تمایز یافتگی و نشانه‌های اضطراب مزمن در سیستم هیجانی خانواده: زراحی و بررسی اثربخشی مداخله‌ای بر اساس دیدگاه سیستم‌های خانواده بوئن. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۵(۱۵): ۱۷-۲۲.

نعیمی، قادر؛ پیرساقی، فهیمه؛ بشیرپور، محراب؛ اکبری، زهرا (۱۳۹۴). نقش مؤلفه‌های سلامت خانواده اصلی و ابعاد تمایز یافتگی خود در پیش‌بینی رغبت به ازدواج در دانشجویان، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۶(۲۱): ۸۷-۱۰۷.

نیکولز، مایکل. (۲۰۰۲). خانواده درمانی (مفاهیم و روشها). ترجمه محسن دهقانی و همکاران. (۱۳۹۳). تهران: نشر دانژه.

Bowen, M. (1966). The use of family theory in clinical practice. *Comprehensive psychiatry*, 7(5):345-374.

Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Aronson.

Charles, R. (2001). Is there any empirical support for Bowen's concepts of differentiation of self, triangulation, and fusion? *American Journal of family therapy*, 29(4):279-292.

Chung, H.; Gale, J. (2006). Comparing self-differentiation and psychological well-being between Korean and American students. *Contemp Fam Ther.* 28: 367-381.

- Drake, J. R. (2011). Differentiation of Self Inventory- Short Form: Creation & Initial Evidence of Construct Validity. *PhD Dissertation*, University of Missouri-Kansas City.
- Ferdinand, L. (2001). The influence of differentiation of individual and couples functioning in premarital and newlywed couples. *Masters of thesis in georgia State University*.
- Guba, E. G.; Lincoln, Y. S. (1989). Fourth generation evaluation, Newbury park, CA: Sage.
- Hatonen, H. Suhonen, R. Warro, H. (2010). Patients Perceptions of patient education on psychiatric inpatient wards: a qualitative study. *Journal of psychiatric and mental health nursing*, 17(4):335-341.
- Hofstede, Geert (2010). *Culture and Organization*. Thousands Oaks, Ca. Sage Publications. International Los-Angeles unive for PHD.
- Johnson, P.; Stone, R. (2008). Parental Alcoholism and Family Functioning: Effect of Differentiation Levels of Young Adults. *Alcoholism Treatment Quarterly*, 27(1): 3-18.
- Kao, H.; Sinha, D. (1997). *Asian perspectives on psychology*. New delhi , thousands oaks. Ca/London, Sage publication.
- Kerr, M. E.; Bowen, M. (1988). *Family evaluation: An approach based on Bowen theory*. New York: W. W. Notron.
- Klever, P. (2009). Goal direction and effectiveness emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, 35(3): 308-324.
- Markus, H.; Kitayama, S. (1991). Culture and the self implications for cognition and emotion and motivation. *Psychological review*, 98(2): 224-253 .
- Murphy, M. Francis. (1999). Is the bowen theory universal? Level of differentiation of self and marital adjustment among Asian-American. *PhD Dissertation of Wright Institute Graduate School of Sychology*.
- Pease, K. (2013). Differentiation of self and anxiety as a function of culture. A thesis for the degree of master of Science *California State University, Stanislaus*.
- Peleg, O.; Yitzhak, M. (2011). Differentiation of self and Separation Anxiety: Is There a Similarity between Spouses. *Journal of Contemporary Family Therapy*, 33(1): 25-36.
- Peleg-Popke, O. (2002). Bowen Theory: A study of Differentiation of Self, Social Anxiety and Physiological Symptoms. *Contemporary Family Therapy*, 24(2):355-370.
- Rudy, D.; Sheldon, K.M.; Awong, T.; Tan, H.H. (2007). Autonomy, culture and well being: the benefits of inclusive autonomy. *Journal of research in personality*, 41. 983-1007 .

- Skowron, E. A. (2000). The role of Differentiation of Self in Marital Adjustment. *Journal of counseling psychology*, 47(2):229-237.
- Skowron, E. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscales. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(2): 209-222.
- Skowron, E. A.; Dendy, A. K. (2004), Differentiation of self and attachment in adulthood. *Contemporary Family Therapy*, 26(3):337-357.
- Skowron, E. A.; Smith, A. (2003). Bowen theory: A Study of Differentiation of self, Sosial anxiety, and Physiological symptoms. *Contemporary Family Therapy*. 24(2):69-335.
- Skowron, E.A.; Friendlander, M.L. (1998). The Differentiation of self-Inventory; Development and Initial Validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45(3): 235-246.

Archive of SID